

جایزه بهترین فیلم کمدی نشریه امپایر

معرفی جایزه

ماهنامه سینمایی امپایر (Empire) از سال 1989 در کشور انگلستان شروع به کار کرد. این نشریه در ابتدا توسط انتشارات بریتانیایی EMAP چاپ و نشر می شد، اما از سال 2008 امتیاز آن به انتشارات آلمانی بوور مدیا (Bauer Media) فروخته شد. امپایر که گاهی اوقات با صفت «مهمترین»، یا «تاثیرگذارترین برند در حوزه سینمایی»¹ خوانده می شود، در کشورهای انگلستان، استرالیا، آمریکا، ترکیه، روسیه، ایتالیا و پرتغال منتشر می شود. این نشریه تاکنون 10 مدیر مسئول داشته است، که هر یک به فراخور شرایط از چند ماه تا چند سال مسئول نشریه بوده اند. از جمله این مدیرمسئولان می توان به بری مک ایلهنی (Barry McIlheny) اولین مدیر مسئول، مارک داینینگ (Mark Dinning) و تری وایت (Terri White) مدیر مسئول حال حاضر نشریه اشاره کرد.



تصویر شماره 1: لوگوی جوایز نشریه امپایر با حمایت جیمسون

یکی از ویژگی های منحصر به فرد نشریه امپایر ارتباط قوی با مخاطبان است. بخش های مختلفی از نشریه نظرات مخاطبان را منتشر می کند و بیشتر جوایز و انتخاب های نشریه توسط نظر خوانندگان صورت می پذیرد. یکی از نشانه های این توجه به مخاطب عمومی، محتوای نشریه است. اغلب فیلم هایی که در این نشریه مورد نقد و بررسی قرار می گیرند، از نوع عامه پسند و آخرین فیلم های روی پرده است. امپایر در سال های مختلف به فراخور، لیست هایی از بهترین فیلم ها یا بهترین کارگردانان منتشر می کند. به عنوان مثال در سال 2017 امپایر با نظرسنجی از 5000 خواننده خود نام صد فیلم برتر سینمایی را منتشر کرد. ویژگی تمرکز بر روی نظر مخاطب عمومی به قدری بارز است که برخی این نشریه را با عنوان تحقیرآمیز «پوپولیسیت» توصیف می کنند. با این وجود گاهی اوقات مقالات و تحلیل هایی از فیلم ها و سکانس های کلاسیک نیز ارائه می شود.

نشریه امپایر علاوه بر رای گیری ها، هر سال مجموعه فیلم هایی را در بخش های مختلف انتخاب می کند و پس از نظرسنجی از مردم به بهترین آنها جایزه می دهد. جایزه نشریه امپایر از سال 1996 آغاز به کار کرد و با فراز و نشیب های اندکی تا کنون ادامه یافته است. این جوایز که به شکل تندیس نشریه امپایر طراحی شده است، طی جشنی که اغلب در ماه مارچ برگزار می شود به منتخبین اهدا می شود. در سال های اول حوزه های محدودی مورد تقدیر نشریه قرار می گرفت، اما با گذشت زمان این حوزه ها گسترش یافت. به عنوان مثال جایزه بهترین فیلم ها در ژانرهای مختلفی مانند بهترین فیلم ترسناک، علمی/تخیلی، کمدی یا هیجانی از سال 2006 به جشنواره معرفی شدند. جایزه های ماهنامه امپایر ابتدا توسط شرکت سونی اریکسون حمایت می شد، از سال 2009 (که جوایز بهترین فیلم های 2008 اهدا شد) جان جیمسن (John Jameson) از شرکت بزرگ جیمسون آیریش

¹ <http://www.bauermedia.co.uk/brands/empire>

ویسکی (Jameson Irish Whiske) (کارخانه تولید مشروبات الکلی) این حمایت را به عهده گرفت. از همین رو این جایزه از سال 2009 با عنوان جایزه جیمسون نیز خوانده می شود.

جایزه بهترین فیلم کمدی

صفحه | 2

همانطور که گفته شد نشریه امپایر تمرکز بسیاری بر روی نظر مخاطبان دارد و جایزه این نشریه در بخش های مختلف توسط رای مردم انتخاب می شود. به همین دلیل بسیار طبیعی است که شاهد انتخاب فیلم های عوام پسند به عنوان بهترین فیلم های این جشنواره باشیم. گاهی اوقات هیجانانگیزی که در خلال تولید و پخش فیلم یا در فرآیند رای گیری و قضاوت خوانندگان نشریه شکل می گیرد بر روی انتخاب برندگان تاثیر می گذارد. با این وجود به خاطر حجم بالای مخاطبان نشریه نمی توان از اهمیت این جایزه چشمپوشی کرد. در واقع جایزه نشریه امپایر علاوه بر اینکه از سویی بازنمایی فرهنگ عمومی و علاقه جمعی نسبت به سینما است، فرصتی است که سینماگران و بازیگران آشنایی بیشتری نسبت به مخاطبان خود کسب کنند. البته این امر ممکن است در پاره ای اوقات با ارزش های هنری در تعارض باشد، اما از سوی دیگر با مفاهیمی مانند «هنر در جامعه» یا «تاثیرگذاری هنر» همسو است. به عنوان مثال اگر می بینیم که یک سنخ مضامین یا چهره های خاصی مورد پسند مخاطبان هستند، می توانیم برای سودآوری بیشتر، یا برای تاثیرگذاری بیشتر بر روی توده مردم از آن مولفه ها بهره ببریم.



با گذشت بیش از ده سال از آغاز اهدای جایزه بهترین فیلم کمدی از سوی نشریه امپایر می توان به رشته شباهت هایی در بین آرای مردمی پی برد. از جمله این شباهت ها تمرکز بر روی فیلم هایی با مضامین سیاسی یا بین المللی است. فیلم هایی مانند در حلقه (In the Loop) و چهار شیر بین المللی اشاره دارند. فیلم تیم آمریکا: پلیس جهانی (Four Lions) برندگان سال های 2009 و 2010 مستقیماً به مسائل بین المللی اشاره دارند. فیلم تیم آمریکا: پلیس جهانی (Team America: World Police) برنده اولین جایزه فیلم کمدی نیز تا حدودی به این تعاملات بین المللی تاکید می کند. همچنین ما در نقدی که بر فیلم هات فاز (Hot Fuzz) ارائه کردیم به رگه هایی از این نقد بین المللی اشاره کردیم. یکی دیگر از مجموعه شباهت های این مجموعه یا بهتر است بگوییم مجموعه علاقه مندی مخاطب عمومی، شوخی با تابوها یا مضامینی است که تاکنون از تیررس فیلم های طنز مخفی مانده اند. شوخی با دین اسلام (هم در فیلم چهار شیر و هم در آلن پرتریج

(Alan Partridge))، شوخی با احزاب سیاسی (در فیلم در حلقه)، تصویر شماره 2: تصویر روی جلد نشریه امپایر، ماه اکتبر سال 2017

شوخی با باور تکراری قهرمان مرد (در فیلم جاسوس)، شوخی با رقابت عشقی پدر و پسر برای کسب یک زن (در فیلم The Greasy Strangler) از جمله این موارد است. علاوه بر مجموعه شباهت های مضمونی، مجموعه ای از چهره ها نیز بیشتر مورد توجه مخاطبان هستند. به عنوان مثال پیتر کاپالدی (Peter Capaldi) و سایمون پگ (Simon Pegg) در بین بازیگران و آرماندو اینوچی (Armando Iannucci) بین کارگردانان و نویسندگان سهم قابل توجهی از علاقه مندی عمومی را دارند. با یک

جست و جوی ساده می توان به ارتباط این اشخاص با چندی از فیلم های برنده جشنواره پی برد^۲. البته ما در اینجا فرض کرده ایم که انتخاب مسئولین نشریه، یا دخالت منفعت طلبان یا سودجویان در این انتخاب ها تاثیری ندارد. اگر بخواهیم در تاثیر مستقیم رای مردم تردید کنیم و وجود عوامل دیگری را در انتخاب بهترین فیلم ها موثر بدانیم، مجددا می توان ادعا کرد، نظر عاملان تصمیم گیری به این رشته از شباهت ها نزدیک تر است.

صفحه | 3

یکی دیگر از ویژگی های اصلی جایزه بهترین فیلم کمدی جشنواره نشریه امپایر انگلیسی بودن آن است. بی شک علاوه بر مسئولین نشریه که اغلب انگلیسی هستند، بخش بزرگی از خوانندگان نشریه و فیلم هایی که مورد توجه آنها قرار می گیرد، فیلم های انگلیسی (یا بریتانیایی) است. در اینجا می توان به این نکته نیز اشاره کرد که یکی از جوایز این جشنواره بهترین فیلم بریتانیایی است که خود حاکی از انگلیسی بودن جشنواره است. همچنین انتشارات بوور مدیا این جایزه را با جوایز ملی انگلیس مانند BAFTA مقایسه کرده است که تاکید مجددی بر انگلیسی بودن نشریه و جوایز آن است. پس لازم است در اینجا به اختصار درباره تفاوت های طنز انگلیسی و طنز آمریکایی مطالبی را ذکر کنیم.

مقایسه طنز انگلیسی و آمریکایی

شاید در نگاه اول این گونه به نظر برسد که طنز مرز جغرافیایی نمی شناسد و آنچه واقعا طنز خوانده شود، در همه جا و بین همه طنز است. البته شاید طنز مرز جغرافیایی نشناسد، اما بی شک طنز رابطه عمیقی با فرهنگ و پیش زمینه انسان ها در زمینه و زمانه خاص خود دارد. بارها و بارها دیده ایم که طنزهای غربیان نه تنها باعث خنده شریکان نمی شود بلکه باعث ابهام و تعجب آنها می شود. این مساله در سوی دیگر نیز صادق است. این اختلافات فرهنگی به بخش ها و انواع مختلفی تقسیم می شود. به عنوان مثال اختلاف زبانی یکی از ریشه های عدم درک طنز بین دو گروه مختلف است، چرا که بخشی از طنزها وابسته به معانی کلمات در یک زبان خاص، یا شباهت ها و تفاوت های کلمات در آن زبان خاص است. بخشی دیگری از طنزها ریشه در یک حادثه مشترک بین گروه خاصی از مردم دارد. به عنوان مثال شوخی هایی که بر اساس سخن سیاستمداران در یک برهه خاص متداول می شود، در فرهنگ دیگر یا حتی در برهه ای دیگر نه تنها خنده دار نیست، بلکه ممکن است باعث ناراحتی مردم بشود. نمونه جالب تری از غیرثابت بودن طنز اتفاقاتی هستند که در موقع شکل گیری هیچ طنزی ندارند، اما قرائت مجدد آنها اسباب تولید طنز می شود. به عنوان مثال اکتاویو پاز معتقد است «در هومر و ویرژیل هیچ طنزی نیست... تا پیش از سروانتس طنز شکل نمی گیرد»، او در ادامه می گوید: «طنز اختراع بزرگ روح مدرن است»^۳.

با این شرایط چندان عجیب نیست که دو فرهنگ نسبتا مجزای آمریکایی و انگلیسی (گرچه بسیار نزدیک به یکدیگر) در ساخت فیلم های طنز مسیرهای متفاوتی را طی کند. یکی از این تفاوت ها ابزاری است که سازندگان برای ایجاد موقعیت های طنز استفاده می کنند. به نظر می رسد یکی از گرایش های موجود در فیلم طنز آمریکایی بیرون آمدن شخصیت اصلی از موقعیت گرفتار شده در آن است. اینکه شخصیت چگونه از آن موقعیت رهایی می یابد، محتوای طنز را ایجاد می کند، اما نکته ای که ما در اینجا بر آن تاکید داریم، صرف موقعیت است. در این موقعیت شخصیت اصلی در شرایطی گرفتار شده و راهکاری برای آن پیدا می کند. شاید

^۲ ما از این موقعیت استفاده می کنیم و بر اساس این تحلیل برنده سال آینده بهترین فیلم کمدی جشنواره نشریه امپایر را پیش بینی می کنیم. از بین نامزدهایی که تاکنون (10 فوریه 2018) معرفی شده اند، فیلمی که بیشترین شباهت را با مجموعه ویژگی هایی که ما تعیین کردیم دارد، فیلم مرگ استالین (The Death of Stalin) است که نه تنها بر موضوعی بین المللی و سیاسی تاکید می کند بلکه آرماندو ایانوچی کارگردان و نویسنده آن است.

^۳ برگرفته از کتاب «وصایای تحریف شده» نوشته میلان کوندرا، ترجمه کاوه باسمنجی، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ص 11

بتوان گفت آمریکایی‌ها خوشبین‌تر هستند. ریکی جروای (Ricky Gervais) معتقد است آمریکایی‌ها کمتر آرزوها و ترس‌های خود را پنهان می‌کنند و فعالانه به شخصیت‌هایشان جایزه می‌دهند⁴. نمونه بارز این طنز فیلم‌های لول و هاردی یا چارلی چاپلین است. این شخصیت‌ها به معنای متداول قهرمان نیستند، اما همواره در رویارویی با مسائل خود به صورت فعالانه راهکار ارائه می‌دهند و از موقعیت‌ها رهایی می‌یابند. در سوی مقابل، در فیلم طنز انگلیسی جریان غالب با شخصیت‌هایی است که منفعل هستند و در نقطه پایانی موقعیت شخصیت پایین‌تر از شروع موقعیت است. در اینجا نیز قهرمان‌ها ممکن است موفق یا ناموفق باشند، اما نکته اصلی چیستی موقعیت طنز است. گویی انگلیسی‌ها با شکست و انفعال راحت‌تر کنار می‌آیند.

در اینجا چند نکته حائز اهمیت است. اول اینکه تفاوت سبک طنز در فیلم‌های انگلیسی و آمریکایی به معنای بهتر بودن یکی یا هوشمندانه‌تر بودن دیگری نیست. این تفاوت هیچ بار ارزشی ندارد و صرفاً از لحاظ نظری و جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است. شاید بتوان گفت اینکه طنز آمریکایی خوشبینانه‌تر و بازتر است، ریشه در عوامل تاریخی و فرهنگی این مردم دارد. استفن فرای (Stephen Fry) به برخی از این اختلافات فرهنگی اشاره می‌کند⁵. نکته دوم در خصوص ارتباط محتوا و فرم طنز است. واقع اختلافی که بین گرایش طنزسازی آمریکایی و انگلیسی وجود دارد، در تکنیک‌های ساخت سینمایی نیز تاثیر می‌گذارد. به عنوان مثال در مقایسه می‌توان گفت نورپردازی فیلم‌های طنز آمریکایی به صورت میانگین پرنورتر از نظایر انگلیسی خود است. این مطلب در خصوص زوایای فیلمبرداری یا گریم و دکور نیز به اقتضای شرایط قابل توجه است. نکته سوم و نهایی آنکه اظهار نظر ما در این مورد به هیچ عنوان به معنای کلیت بخشی به مجموعه گسترده طنز در آمریکا و انگلیس نیست. بسیاری از ادعاهای ارائه شده در این سطور با فیلم‌های خاصی قابل رد یا تردید است. آنچه ما توضیح دادیم گرایشی کلی و میانگین‌گیری شده است که بین مجموعه فیلم‌ها و در مقایسه آنها با یکدیگر شکل گرفته است. همچنین این نکات توسط منتقدین و طنزان شناخته شده این زمینه مطرح شده است که می‌توان به سخن آنها استناد کرد.

پس اگر این اختلاف گرایش را در عین کلی بودن آن بپذیریم، می‌توان ادعا کرد که پرونده پیش‌رو (گلچین برندگان جایزه بهترین فیلم کمدی نشریه امپایر) مجموعه‌ای از طنز انگلیسی است. البته تمام فیلم‌ها ساخته کشور انگلستان نیستند، اما اولاً بیشتر آنها واجد این ویژگی هستند و دوم اینکه نشریه و داوران اصلی انگلیسی هستند. با در نظر گرفتن این نکته شاید بهتر است فیلم‌های این پرونده را با توجه به اختلافات طنز انگلیسی و آمریکایی (یا مابقی دنیا) دوباره مشاهده کرد. این بار شاید ضعف شخصیت‌ها و شکست و ناامیدی آنها بیشتر به چشم بیاید. شاید اگر قهرمان‌های این مجموعه را با فیلم‌های مشهوری که از سینمای آمریکا و هالیوود به یاد داریم (مانند بازی‌های جیم کری) مقایسه کنیم، این تفاوت‌ها بیشتر نمایان شوند.

مجموعه فیلم‌ها

درست است که یک تحقیق جامع درباره یک جایزه بین‌المللی بهتر است تمام برندگان آن جشنواره به همراه نامزدهایش را پوشش بدهد. اما هدف ما از ارائه این پرونده بررسی گلچینی از برندگان جایزه فیلم کمدی نشریه امپایر است. در این راستا اولاً از نامزدها چشمپوشی کردیم و دوماً برخی از فیلم‌ها را بررسی نکردیم. البته احتمال آن وجود دارد که در آینده به لیست فیلم‌های این پرونده اضافه شود، اما در حال حاضر به دلیل اختصار تنها به بررسی نه فیلم پرداختیم. در این بین معیار ما برای انتخاب این مجموعه کیفیت و شهرت فیلم‌ها بوده است. همان‌طور که در این مقاله اشاره کردیم، از آن جایی که انتخاب فیلم‌ها بر عهده

⁴ <http://time.com/3720218/difference-between-american-british-humour/>

⁵ <https://www.youtube.com/watch?v=8k2AbqTBxao>

عموم مردم است، در برخی سال ها فیلم های برنده از کیفیت بسیار پایینی برخوردارند و گاهی اوقات صحنه های جنسی یا هیجانانگاز کاذب در این انتخاب تاثیرگذار است. نکته دیگری که حائز اهمیت است آنکه در برخی فیلم ها مضمون طنز کمرنگ تر از سال های قبل و بعد است و جایزه کمدی صرفا بر اساس ژانر دوم یا سوم یک فیلم به آن تعلق گرفته است. بر این اساس فیلم های این پرونده عبارتند از:

صفحه | 5

(تیم آمریکا: پلیس جهانی 2004): این فیلم یک انیمیشن عروسکی است که قهرمان ها و ضدقهرمان های آمریکایی در داستان های جدی را سوژه طنز خود قرار می دهد. طنز این فیلم تا حدودی افسار گسیخته است و افراد مشهوری را (با نام های واقعی) مورد نقد قرار می دهد. یک تیم از قهرمانان آمریکایی مسئول دفع ماموریت های تروریستی است که توسط کیم جونگ ایل هدایت می شود.

(خانم سانشاین کوچولو 2006): شاید بتوان گفت بهترین فیلم این پرونده است که از بازی خوب استیو کرل (Steve Carell) بهره می برد. دو جایزه اسکار بهترین فیلمنامه و بهترین بازیگر مرد نقش مکمل حاصل تلاش تیم سازنده است. فیلم ماجرای جاده ای یک خانواده کوچک است که برای اجرای دختر کوچکشان در مسابقه استعدادهای بهترین دختر آمریکا سفر می کنند.

(هات فاز 2006): در این فیلم ادگار رایت (Edgar Wright) توانسته است یک طنز انگلیسی تمام عیار بسازد که در آن سایمون پگ و نیک فراست در کنار یکدیگر بازی می کنند. این دو بازیگر و رایت پیش از این نیز در فیلم Shaun of the Dead همکاری کرده بودند که حاصل آن استقبال عمومی گسترده و اقبال منتقدین بود.

(پسر رمبو 2007): یک فیلم ساده و سراسر است که روایت دوستی دو کودک را بیان می کند که برای ساختن یک فیلم تلاش می کنند. گرث جنینگز (Garth Jennings) کارگردان جوانی است که در نگارش فیلمنامه با استفاده از تکنیک بینامتنیت (Intertextuality) از شخصیت مشهور رمبو در فیلم «اولین خون» استفاده می کند. جنینگز از جلوه های ویژه کامپیوتری در این فیلم استفاده کرده است.

(در حلقه 2009): این فیلم در ادامه موفقیت های مجموعه تلویزیونی The Thick of It توسط ایانوچی تولید شد. شخصیت ها و فضای داستانی یکسان است و یک ماجرای جدید برای روایت استفاده می شود. فیلم بیشتر مبتنی بر دیالوگ است و بر جو سیاسی بین آمریکا و انگلیس تمرکز می کند. بازی خوب پیتر کاپالدی در این فیلم می درخشد.

(چهار شیر 2010): تنها نکته جالب توجه در این طنز استفاده از یک سوژه خاص است. تروریسم دینی در قالب اسلام سوژه ای است که نه تنها تحریک آمیز است، بلکه کمتر کارگردانی به خود اجازه ورود به این ماجرا را می دهد. این فیلم روایتگر فرآیند تولید بمب و عملیات انتحاری چهار مسلمان ساده لوح است.

(آلن پرتریج: آلفا پاپا 2013): این فیلم نیز برگرفته از مجموعه تلویزیونی آلن پرتریج است که سال ها پیش در شبکه BBC توانسته بود مخاطبان بسیاری را به خود جذب کند. پرتریج مجری رادیو است و اطلاعات بسیاری در حوزه های مختلف دارد، لذا قابلیت آن را دارد که دیالوگ های ظریف و خنده دار ایانوچی از زبان این شخصیت بیان شود. اولین نسخه سینمایی از شخصیت پرتریج اثر موفق است که نمونه اعلا ی یک طنز انگلیسی است.

(پدینگتون 2014): پدینگتون نام فیلم انیمیشنی برگرفته از داستان های محبوب مایکل باند درباره خرسی به همین نام است. گرافیک و ساخت این انیمیشن بسیار با ارزشمند و باکیفیت است. البته داستان کاملا متفاوت است، اما استفاده از این شخصیت محبوب به استقبال این فیلم افزوده است. ادامه داستان انیمیشن پدینگتون در سال 2017 ساخته شده است.

(جاسوس 2015): یک فیلم طنز قدرتمند که قهرمان آن یک زن فربه است. تمسخر سوژه تکراری قهرمان مردی که خوش اندام است در این فیلم در دستور کار قرار گرفته است. بازی چشمگیر ملیسا مک کارتی (Melissa McCarthy) در این فیلم او را موفق به کسب نامزدی جشنواره گلدن گلوب در سال 2016 کرد.

ردیف	نام فیلم	سال ساخت	کارگردان	کشور سازنده	نمره IMDB	نمره Classifilms
1	Team America: World Police	2004	Trey Parker	آمریکا، آلمان	7.2	5.5
2	Little Miss Sunshine	2006	Jonathan Dayton, Valerie Faris	آمریکا	7.8	7.8
3	Hot Fuzz	2007	Edgar Wright	انگلستان، فرانسه، آمریکا	7.9	7.2
4	Son of Rambow	2007	Garth Jennings	انگلستان، فرانسه، آلمان، آمریکا	7	7.3
5	In the Loop	2009	Armando Iannucci	انگلستان	7.5	6.4
6	Four Lions	2010	Christopher Morris	انگلستان، فرانسه	7.3	5.4
7	Alan Partridge: Alpha Papa	2013	Declan Lowney	انگلستان، فرانسه	7	6.6
8	Paddington	2014	Paul King	آمریکا	7.2	6.5
9	Spy	2015	Paul Feig	آمریکا	7	7.2